

مبانی حکومت اسلامی

موضوع: وجوب حفظ نظام اسلامی

کارشناس: حضرت آیت الله عباس کعبی

نهاد برگزارکننده: مرکز تحقیقات علمی حکومت اسلامی

وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

مکان: سالن اجتماعات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

چکیده نشست:

واژه «نظام» در زبان عربی یعنی نظم عمومی و در اصطلاح به چند معنا اطلاق می‌شود:

۱- گاه واژه نظام در مقابل هرج و مرج استعمال می‌شود بدین معنا که وقتی هرج و مرج نباشد می‌گویند نظام محقق شده است. به تعبیر دیگر مقصود از «نظام» در اینجا همان نظامات عرفی است.

۲- یکبار هم «نظام» بمعنی نظامات شرعی است یعنی احکام فقهی. اختلال در نظامات شرعی بدین صورت است که «تَوْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ». هیچکدام از این دو معنا مورد نظر ما نیست. ما وقتی واژه «نظام» را به کار می‌بریم منظورمان معنای سوّمی است و آن نظام به معنای «سیستم و حکومت» است. البته ممکن است این سیستم و حکومت شرعی و یا غیرشرعی باشد که در جای خودش قابل بحث است. ادّله فقهی و جوب حفظ نظام اسلامی باختصار عبارتند از:

۱- از آنجا که حفظ نظامات شرع واجب است «وَايْتَرْتَبُ عَلَيْهَا الْمَصَالِحَ الْعَامَّةَ وَ دَرءَ الْمَفَاسِدَ» و نباید اینها آسیب ببینند لذا حفظ نظام اسلامی که برای حفظ اسلام و کیان مسلمین تشکیل شده واجب است.

۲- وجوب تطبیق شریعت و اقامه حدود الله مثل آیه «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» اقامه حدود الهی و احیای عدل و حقّ و وجوب در مفاصد در حیات جامعه اسلامی

۳- چند باب از ابواب فقهی هست که بمعنی الاخص در باره وجوب حفظ نظام بحث می‌کند مانند احکام مربوطه و احکام الدفاع عن بیضة الاسلام و المسلمین و احکام مربوط به جهاد بُغات و ...

مشروح نشست

«اعوذ بالله من الشيطان الرجيم؛ بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله رب العالمين و الصلات و السلام على خير الانام المصطفى ابى القاسم محمد و على آله الطيبين و الطاهرين لا سيما بقيه الله فى الارضين»
در سلسله مباحث گذشته به مسأله «وجوب حفظ نظام» رسیدیم. در ابتدا لازم است معنای واژه «نظام» را به اختصار بیان کنیم. «نظام» در زبان عربی یعنی نظم عمومی و در زبان انگلیسی به آن «public order» می گویند.
«نظام» در اصطلاح به چند معنا اطلاق می شود:

۱- در مقابل «هرج و مرج» بدین معنا که وقتی هرج و مرج نباشد می گویند نظام محقق شده است. به تعبیر دیگر نظامات عرفی که در همه جای جهان نمونه آنها را می بینیم؛ همانند نظام حمل و نقل، نظام خرید و فروش و بازار، نظام مربوط به اداره یک محل و...، «نظام» نام دارد. منتها مراد ما اینجا قطعاً نظام به این معنا نیست، گرچه در جای خود بحث می شود که حفظ این نظامات عرفیه تا آنجایی که مخل احکام شرعی نباشد، واجب است و اختلال در آنها جایز نیست. برای مثال امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: «اوصیکم عبادالله بتقوى الله و نظم امرکم»^۱؛ بندگان خدا، شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان وصیت می کنم. یکی از این مراتب نظم، نظم مسائل عمومی است.

۲- به معنای «نظامات شرعی»؛ یعنی احکام نماز، روزه، حج، زکات، خمس و همه احکام فقهیه. اختلال در نظامات شرعی یعنی مثلاً به بعضی از واجبات عمل بشود و به بعضی عمل نشود یا به عبارت دیگر «تؤمنون ببعض الكتاب و تکفرون ببعض»^۲. اینجا هم مورد بحثمان نیست.

۳- به معنای «سیستم حکومت»؛ حال ممکن است این سیستم شرعی باشد یا غیر شرعی. مسلماً نظامات عرفیه و غیر شرعیه که نام دیگرشان نظامات جور و ظلم و ستم است، مورد بحث ما نیست. اما نظام به معنای سیستم حکومت شرعی مثل آنچه در ایران به عنوان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برپا شده، یک نظام شرعی و حکومت شرعی است.

هدف از برپایی حکومت شرعی، اجرای اسلام است و باید در رأس آن ولی فقیه باشد. مقابله با دشمنان نظام و تلاش برای حفظ آن مثل تلاش برای تشکیل حکومت و مثل اصل وجوب دولت و مثل اینکه در رأس دولت باید ولی فقیه باشد، حفظ این نظام هم واجب بلکه به تعبیر حضرت امام (ره) از اوجب واجبات و تضعیف آن

^۱. نامه ۴۷ نهج البلاغه.

^۲. سوره بقره آیه ۸۵.

حرام است؛ هم حفظ محتوایی و هم حفظ ساختاری.

سوال: ادله فقهی وجوب حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی چیست؟

جواب:

۱- بخشی از ادله، مربوط به حفظ اسلام و بخشی دیگر مربوط به حفظ احکام و نظامات فقهیه است و چون این نظام برای حفظ اسلام و کیان مسلمین تشکیل شده، لذا اگر این نظام آسیب ببیند نظامات شرع آسیب می بینند و حفظ نظامات شرع واجب است؛ چون یترتب علیها المصالح العامه و درء المفسد.

۲- دلیل دیگر، وجوب تطبیق شریعت و اقامه حدود الله است؛ مثل آیه «أَنْ أُقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»^۳ و مثل روایاتی که در مورد اقامه حدود وارد شده؛ مثلاً پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند: «اقامه حد من حدود الله خیر من مطر اربعین لیله فی بلاد الله؛ به پا داشتن و زنده کردن یک حد از حدود الهی از بارش چهل شبانه روز باران در شهرهای خدا بهتر و با ارزش تر است»^۴. وجوب تطبیق شریعت و اقامه حدود الهی و احیای عدل و حق و وجوب درء مفسد و دفع هرج و مرج در حیات جامعه اسلامی، اقتضا می کند که نظام اسلامی حفظ بشود.

۳- چند باب از ابواب فقهی درباره ادله وجوب حفظ نظام بالمعنی الاخص است. مثلاً در کتاب جهاد،^۳ باب فقهی وجود دارد که مربوط به ادله حفظ نظام است؛ (۱) احکام المرابطه و حفظ الثغور یا مرزبانی. (۲) احکام الدفاع عن بیضه الاسلام و المسلمین و نفوس المسلمین که این هم در کتاب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر است. (۳) احکام مربوط به جهاد بغات یا توطئه گران علیه امنیت دولت اسلامی و امام و مسلمین؛ کسانی که تلاش می کنند با دولت اسلامی مقابله بکنند.

۴- دلیل چهارم به وجوب مجازات برهم زندگان امنیت عمومی جامعه اسلامی و فتنه گران در میان مسلمین برای تضعیف دولت اسلامی و نیز ادله مربوط به مقابله با محاربین و مفسدین برمی گردد و می دانیم که یکی از حدود الهی حد محاربه است؛ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا...؛ سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند...»^۵ هدف حد محاربه و اجرای این حد الهی، حفظ امنیت مسلمین

۳. سوره شوری آیه ۱۳.

۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵۵.

۵. سوره مائده آیه ۳۳.

و دولت اسلامی است خصوصاً آنهایی که «يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا».

اینها ادله خاص حفظ نظام اسلامی و مسلمین بود نه اطلاقات و عمومات و ما دیگر وارد بحث اطلاقات و عمومات نشدیم.

مرحوم نجفی در کتاب جواهرالکلام درباره احکام دفاع در جلد ۲۱ صفحه ۱۴ تا ۱۹ و بعد هم در یک بخش دیگر به بحث پرداخته است.^۶ اما جهاد بغات؛ باز هم در کتاب جواهر بحث مفصل و مبسوطی را در جلد ۲۱ صفحه ۳۲۲ تحت عنوان «الركن الرابع في قتال اهل البغي» مطرح می کند. درباره احکام مرابطه نیز در جلد ۲۱ صفحه ۳۸ تا ۴۶ مطالبی را بیان می فرماید.

درباره «عقوبة المحاربين و المفسدين» که راجع به احکام محاربه و حد محاربه است نیز در جلد ۴۱ صفحه ۵۶۸ به بحث می نشیند.

در تعریف «مرباطه» گفته اند: «الإرصاد و الإقامة لحفظ الثغر من هجوم المشركين^۷؛ «ارصاد» یعنی رصد کردن، دیده بانی در مرزهای کشور اسلامی و اعلام به مسئولان ذی ربط یعنی ارتش و نیروهای مسلح برای مقابله با هجوم دشمنان. آیه مربوط به آن هم این است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها،) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید».^۸

مرباطه در اصطلاح قرآن کریم یعنی مرزبانی از سنگرهای ایدئولوژیک اسلام، مرزبانی از باورها و ارزشهای اسلامی به همراهی رهبر جامعه اسلامی. اما در اصطلاح فقهی، مرابطه، مرزبانی فیزیکی و دیده بانی صرف است؛ یعنی باید یک عده در مرز وظیفه دیدبانی را برای جلوگیری از نفوذ دشمن بر عهده بگیرند و در صورت نفوذ، اعلام بکند تا بشود با آنها مقابله کرد. به این می گویند مرابطه.

البته با توجه به گسترش تکنولوژی و فنون معاصر، دیگر این مرزبانی هم در اثر استفاده از فن آوری نوین متفاوت شده است یعنی می توان در پایتخت کشور اسلامی مستقر شد و با سیستم هوشمند مرزها را کنترل کرد. افرادی هم اگر در مرزها مستقر کنند، وظیفه شان مرزبانی و یا مرابطه فقهی نیست بلکه کارشان دفاع است

^۶. وقد تجب المحاربة على وجه الدفع من دون وجود الإمام عليه السلام ولا منصوبه كأن يكون بين قوم يغشاهم عدو يخشى منه على بيضة الإسلام، أو يرید الاستيلاء على بلادهم أو أسرهم وأخذ مالهم، أو يكون بين أهل الحرب فضلاً عن غيرهم ويغشاهم عدو يخشى منه على نفسه فيساعدهم دفعا عن نفسه...

^۷. جواهر الکلام ج ۲۱ ص ۳۸.

^۸. سوره آل عمران آیه ۲۰۰.

و اینکه اگر کسی از مرز رد شد دستگیرش کنند. بنابراین فرق است بین دفاع و مرابطه. این دیدبانی به دو حالت است؛ یا در زمان صلح و هدنه و امنیت است و می دانیم خطری دولت را تهدید نمی کند و یا در زمان ناامنی است و ممکن است دشمن نفوذ بکند. فقها می فرمایند در زمان صلح و زمانی که خطری دولت را تهدید نمی کند، عمل دیدبانی مستحب است و واجب نیست. اما در زمانی که خطر، دولت اسلامی و مسلمین را تهدید می کند و ممکن است دشمن نفوذ بکند آن موقع دیدبانی واجب می شود.

برای روشن شدن مسأله باید بگوییم که مرابطه، تنها از دولت اسلامی نیست بلکه از بلاد اسلامی یا دار الاسلام در مقابل دار الکفر است و «مرباط» آن کسانی هستند که در متها الیه مرز کشورهای اسلامی با کفر قرار دارند. پس مرابطه، تنها درون این مرزهای جدیدی که ایجاد شده نیست.

سؤال: آیا الان که مرزهای جغرافیایی مثل مرزهای صدر اسلام نیست و ما بحث مرابطه را برای دفاع از دولت اسلامی مطرح می کنیم، می توانم این احکام فقهی را اجرا بکنیم؟ به چه دلیل؟

در پاسخ می گوییم بله؛ دولت اسلامی رسول گرامی اسلام(ص) در شمال و جنوب و مشرق و مغرب مدینه النبیه(ص)، حریم مشخص کرده بود و نیروهای دفاعی در آنجا مستقر بودند برای اینکه دشمن نفوذ نکند و لذا دفاع از دولت اسلامی اولویت خواهد داشت و واجب است و موقعی که می گوییم دفاع از مرزهای کشور اسلامی، منظور حفظ «دولت اسلامی» است و گرنه دفاع از مرزها اگر مسأله حفظ دولت و حفظ نظام درش نباشد به خودی خود موضوعیتی ندارد. بنابراین هدف، حفظ نظام است.

حال با توجه به مقدماتی که گفتیم، سؤال می شود که بحث مرابطه چه ارتباطی با حفظ دولت اسلامی دارد؟ می گوییم حکم مرابطه را فقها این چنین گفته اند: مرابطه برای دفع خطر کفار واجب است. اما اگر خطری واقع نشود واجب نیست اما به خودی خود یک امر مستحب است.^۹

مرحوم صاحب جواهر می فرماید: و من لواحق هذا الركن المرباطة و هی الارصاد؛ یعنی از لواحق بحث جهاد و اقامه حفظ الثغر یعنی رصد کردن و ماندن در مرزها برای حفظ مرزها (البته «مرز» در اصطلاح و روایات خیلی متفاوت است مثلاً مرز ایدئولوژیک که در این رابطه امام صادق(ع) می فرمایند: «علماء امتی مرابطون بالثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته؛ دانشمندان شیعه، مرزبانان مرزهایی هستند که ابلیس و یاران پستش از آن راه

^۹. تجب المرباطة لدى وقوع البلاد الإسلامية في معرض الخطر من قبل الكفار، أما إذا لم تكن في معرض ذلك فلا تجب و إن كانت في نفسها أمراً مرغوباً فيه في الشريعة المقدسة. (خویی، منهاج الصالحین، ج ۱ ص ۳۷۶).

نزدیک می شوند»^{۱۰} یا آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند و آنها که کافرنند، در راه طاغوت [بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است»^{۱۱}، می فرماید: لحفظ الثغر^{۱۲} من هجوم المشركين الذي هو حد المشترك بين دار الشرك و دار الاسلام كما في التنقيح.^{۱۳}

ولی اینجا وقتی گفته می شود ثغر، یعنی مرز دولت اسلامی در مقابل دشمنان و حتی همسایگان؛ چه مرزهای فیزیکی و چه مرزهای نرم افزاری و فناوری. در همه عرصه ها حراست و حفظ مرزها واجب است؛ او کل موضع یخاف منه كما في جامع المقاصد؛ در جامع المقاصد. محقق کرکی می گوید: مقصود از مرز نه آن مرز فیزیکی بلکه هر جایی که خطر نفوذ دشمن وجود دارد، آنجا می شود مرز و حفظ آن مرز واجب است؛ یعنی در واقع از دیدگاه محقق کرکی منظور از مرز، مرزهایی هست که جلوی دشمن را می گیرد که واجب است.^{۱۴}

دیدگاه دیگر می فرماید: او هما معا كما في المسالك.^{۱۵} شهید ثانی می فرماید هیچ منافاتی ندارد که ما بگوییم مرز چه فیزیکی چه غیر فیزیکی: قال الثغر هنا الموضع الذي يكون باطراف بلاد اسلام بحيث يخاف هجوم المشركين من على بلاد الاسلام. یک معنای ثغر، اطراف بلاد اسلامی است که امکان دارد دشمن نفوذ بکند. سپس؛ و کل موضع یخاف منه؛ و هر جایی که خطر نفوذ هست به آن می توانیم بگوییم «مرز».

به نظر می رسد که مرز و ثغر طریقتی دارد نه موضوعیت. «حفظ ثغر» طریقی است برای حفظ دولت اسلامی؛ طریقی است برای حفظ جان، مال و اعراض مسلمین؛ وگرنه به خودی خود دیدبانی از مرز معنا ندارد بلکه هدف از دیدبانی آمادگی برای حفظ اسلام است. شاید یکی از دلایلی که ما می توانیم از آن وجوب کفایی رابطه را بفهمیم، آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^{۱۶} است؛ یعنی کشوری که قدرت دفاعی بازدارنده

^{۱۰}. الاحتجاج، ج ۱ ص ۸.

^{۱۱}. سوره نساء آیه ۷۶.

^{۱۲}. «ثغر» حد فاصل بین دارالکفر و دارالاسلام را گویند.

^{۱۳}. التنقيح الرائج في شرح المختصر النافع لفاضل مقداد.

^{۱۴}. الثغر هنا الموضع الذي يكون بأطراف بلاد الإسلام بحيث يخاف هجوم المشركين منه على بلاد الإسلام، وكل موضع يخاف منه يقال له ثغر

لغة. (جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۳۸).

^{۱۵}. جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۳۸.

^{۱۶}. سوره انفال آیه ۶۰.

نداشته باشد در آن نفوذ می کنند و از بین می برندش. یکی از لوازم این قدرت دفاعی بازدارنده، داشتن اطلاعات و امنیت مقتدر است. اینها تماماً مقدمه است برای حفظ نظام و حفظ نظام هم واجب است. با همه این توضیحات، صاحب جواهر می فرماید: **فهی مستحبه؛** مرابطه مستحب است. چرا؟ **لما تسمعه من النصوص؛** به دلیل روایات؛ **كما صرح به فاضلان؛** یعنی علامه حلی و محقق حلی، و **شهیدان؛** شهید اول و ثانی و غیرهم.

سپس می فرماید: بل لا اجد فیه خلافاً بینهم؛ بلکه مخالفتی وجود ندارد؛ **للاصل؛** به خاطر «اصل».

سؤال: این چه اصلی است که مقتضی عدم وجوب مرابطه است؟

می فرماید: **السالم عن معارضه ما یقتضی الوجوب کتابا و سنه؛** یعنی آن ادله ای که در کتاب و سنت وجود دارد، دال بر وجوب حفظ دولت اسلامی و جان و مال و اعراض مسلمین است؛ در حالی که هدف از مرابطه دیدبانی است و حفظ نیست؛ بلکه اعلام است و اعلام غیر از دفاع است.

مثلا اگر در مرز سرباز گماشته می شود که اگر کسی نفوذ کرد او را با تیر بزند یا دستگیر کند، این کار سرباز دفاع است. اگر کسانی را بگذارند که نفوذ دشمن را اعلام کنند، صاحب جواهر می گوید اعلام واجب نیست بلکه مستحب است.

به نظر می رسد که در شرایط آن زمان، استحباب دارای وجه بوده و قابل قبول است؛ چون دفاع، متوقف بر اعلام نبود و باید به صورت فیزیکی می آمدند و به خط اول مرز متوجه می شدند و درگیر می شدند، اما الان بین مرابطه و دفاع ملازمه وجود دارد، یعنی دفاع بدون مرابطه ممکن نیست و مرابطه جزو اقسام دفاع است؛ لذا در نهادهای مربوط به نیروهای مسلح جهان، یک بخش تحت عنوان اطلاعات و امنیت وجود دارد. بنابراین در زمان ما به حکم عقل و ضرورت نمی توانیم بگوییم مرابطه مستحب است؛ بلکه مرابطه واجب کفایی است چون از واجبات نظامیه است و مثل بقیه واجبات کفایی، اگر «من به الکفایه» وجود داشته باشد، بر دیگران واجب نیست، اما اگر «من به الکفایه» وجود ندارد، واجب است افرادی به این گار اقدام کنند. مثل قضاوت و بقیه مناصب دولت که باید «من به الکفایه» وجود داشته باشد.

نصوص وجوب مرابطه چیست؟

ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، امام باقر(ع) می فرماید: مراد خداوند متعال از «اصبروا»، شکیبایی بر انجام واجبات و مرادش از «صابروا»، صبر و شکیبایی در

برابر دشمنان، و مراد از «رابطوا»، مراقبت و محافظت از امام منتظر است.^{۱۷} از این حکم فهمیده که صبر بر اذیت و آزار دشمن واجب است؛ یعنی مقاومت کنید. دیگران را هم در مقابله با دشمنان دعوت کنید. همراه امامان و رهبران دولت اسلامی بشوید. همراهی با رهبر اقتضائاتی دارد که یکی از آنها رابطه و دیدبانی است که به فرمایش مقام معظم رهبری در زمان ما بصیرت و هوشمندی است.

صاحب جواهر سپس می فرماید: لکن فی التنقیح وجوبها علی المسلمین کفایه من غیر شرط ظهور الإمام علیه السلام. مرحوم فاضل مقداد^{۱۸} می گوید رابطه حتی با آن کیفیت مربوط به نصوص، واجب کفایی است و نمی توانیم بگوییم مستحب است. صاحب جواهر می فرماید: و لعله یرید حال الضرر بعدمها علی الاسلام لا أن المراد وجوبها من حیث کونها كذلك مطلقاً؛ یعنی رابطه به عنوان ثانوی واجب است نه به عنوان اولی. چراکه اگر نباشد اسلام متضرر می شود و ضرر، حاکم بر ادله اولیه است؛ لذا از این حیث واجب می شود. صاحب جواهر سپس می فرماید: نعم هی راجحه؛ بله همه متفقند که رابطه راجح است.

تا اینجا معلوم شد که رابطه در متون فقهی یا مستحب است یا واجب. در هر حال رابطه طریقی است برای حفظ و بقای نظام و اگر حفظ نظام واجب نبود احکام رابطه هم نمی آمد و حفظ دولت اسلامی واجب است بلکه حفظ، اهم از ایجاد است و الزامات زیادی دارد.

بعد ایشان می فرماید: ولو کان تسلط امام علیه السلام مفقوداً او کان غائباً؛ یعنی حتی اگر قدرت در دست امام معصوم نباشد یا امام معصوم غائب باشد، ارجحیت رابطه از بین نمی روند؛ چون: لانها لا تتضمن قتالاً؛ یعنی ماهیت رابطه، نبرد و جنگ نیست. اگر آن مرزبان بجنگد می شود مدافع و می دانیم که دفاع واجب است و در این مورد اجماع وجود دارد. روایات هم دال بر وجوب دفاع است و عرض شد که یکی از ادله وجوب حفظ نظام، وجوب دفاع از دولت اسلامی و کیان مسلمین است.

ابتداء مع غیر إمام عادل کی یکون مندرجا فیما دل علی النهی عنه بل تتضمن حفظاً وإعلاماً.^{۱۹} صاحب جواهر می فرماید: ماهیت رابطه، فقط حفظ و اعلام و اطلاع رسانی است. بعد می فرماید: فهو من الدفاع حیثئذ عن البیضة الذی قد عرفت کونه قسماً من الجهاد ومأموراً به؛ یعنی اگر منجر به درگیری نظامی شد، آن وقت می شود دفاع واجب؛ هرچند فی نفسه مستحب است.

^{۱۷}. اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عدوکم و رابطوا إمامکم المنتظر. الغیبه نعمانی ص ۲۷.

^{۱۸}. صاحب کتاب التنقیح.

^{۱۹}. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹.

اما روایتی که دال بر وجوب دفاع است، روایت یونس در کتاب وسائل الشیعه^{۲۰} که می گوید شخصی از امام کاظم(ع) سؤال می کند که کسی شمشیر و سپر می دهد و اسب هم در اختیار قرار می دهد و می گوید بروید در راه خدا بجنگید... این درست است یا خیر؟ امام(ع) فرمودند: اینها را پس بده و برگردان. گفتند رفتیم دنبالش و متوجه شدیم که او به مرز رفته است. فرمود: پس مرزبانی بکند اما نجنگد.^{۲۱}

معلوم می شود که در زمانی هم که حکومت جائز باشد مرابطه راجح است؛ چون باعث حفظ جان و مال و مسلمین می شود. به امام(ع) گفتند اگر آن شیعه که به مرز رفته و آن موقع دشمن حمله کرد او چکار بکند؟ امام فرمودند «یقاتل عن بیضه الاسلام»؛ یعنی در آن شرایط می تواند بجنگد به قصد دفاع از کیان اسلام. در اینجا مقاتله به نحو دفاع از سرزمین اسلامی واجب می شود.

پرسیدند آیا این جهاد حساب می شود؟ امام(ع) فرمودند: «لا إلا أن یخاف علی دار المسلمین»؛ یعنی مگر اینکه بترسد که به جان مسلمین آسیب برسد. پرسیدند اگر اهل روم وارد سرزمین اسلامی بشوند نباید آنها را منع بکنند؟ امام(ع) فرمودند: اگر برای اصل کیان اسلام و جامعه اسلامی بترسد، آن موقع نبرد جایز است و آن موقع از خودش دفاع می کند نه برای دفاع از حکومت غیر مشروع.^{۲۲} پس دفاع واجب است حتی در چارچوب حکومت جائز.

امام(ع) در انتها می فرماید: «لأن فی دروس الإسلام دروس ذکر محمد (ص)»؛ یعنی اگر اسلام ضعیف بشود و فرسایش پیدا بکند نام پیامبر هم از بین می رود و برای حفظ اصل اسلام و نام پیامبر باید بجنگد. از این روایت استفاده می شود که جنگیدن برای حفظ دولت اسلامی در مقابل توطئه های داخلی و خارجی واجب است؛ چون اگر دولت اسلامی نماند، اسلام از بین می رود و جان و مال و ناموس مسلمین در معرض خطر قرار می گیرد و لذا دشمنان همواره علیه دولت اسلامی تلاش می کنند که جانشین این دولت اسلامی، بهائیت، صهیونیسم و کفر بشود.

در پایان سخنان آیت الله کعبی، جلسه پرسش و پاسخ برگزار گردید.

^{۲۰} باب ۶ من ابواب جهاد العدو، ج ۲، ص ۱۵، ص ۲۹.

^{۲۱} عن یونس قال : سأل أبا الحسن (عليه السلام) رجل - وأنا حاضر - فقلت له: جعلت فداك إن رجلاً من مواليك بلغه أن رجلاً يعطى سيفاً و قوساً في سبيل الله فأتاه فأخذهما منه ثم لقيه أصحابه فأخبروه أن السبيل مع هؤلاء لا يجوز، و أمره بردهما؟ قال : فليفعل، قال : قد طلب الرجل فلم يجده وقيل له : قد قضى الرجل قال : فليربط ولا يقاتل...

^{۲۲} يربط ولا يقاتل، وان خاف على بيضه الإسلام والمسلمين قاتل فيكون قتاله لنفسه لا للسلطان.